

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال- افغانستان
۱۹ جون ۲۰۱۸

در افغانستان چه می گذرد؟

۴۰۸

طالبان، برده های جنگی:

«آتش بس» مسخره سه روزه فرصتی به وجود آورد تا صفوف طالبان این برده های جنگی کشور های پاکستان، ایران، امپریالیست ها، عربستان، قطر و غیره بدون هیچ مانع و مقاومتی به ساحات تحت کنترل دولت دست نشانده کابل سرازیر شوند و بدون ترس و واهمه در شهر ها گشت و گذار نمایند. تصویر کلی که می توان از این برده های جنگی داشت، همانا انسان های خسته از جنگ با چهره های خشن که گویا در عصر توحش به سر می برند و جنگ وحشیانه جاری از سوی بادرانشان بالای آنها تحمیل گردیده و محکوم به کشتن و کشته شدن می باشند. همین تصویر را در طرف مقابل یعنی نیرو های امنیتی حکومت وحشت «ملی» نیز می توان داشت، چنان که در جریان سه روز «آتش بس» با نشر ده ها عکس و فلم از عساکر اجیر و تحت امر حکومت دو سره (ع و غ) در شبکه های اجتماعی به وضاحت می توان دریافت که آنها نیز شدیداً مخالف جنگ ارتجاعی جاری اند، اما محکوم به کشتن و کشته شدن اند. صفوف هر دو طرف این جنگ (طالب، داعش، حقانی، سایر گروه های تروریستی و نیرو های امنیتی دولت پوشالی)، انسان های فقیر، بیچاره و فرزندان توده های زحمتکش و ستمدیده ای اند که فقر، بیکاری و جهالت آنها را به گلائیاتور های جنگی مبدل ساخته که نه تنها یک دیگر را میدرن، بلکه هیچ ترحمی به قتل و کشتار توده ها و ویرانی افغانستان اشغالی نیز ندارند.

ما در کشوری زندگی می کنیم که از ۱۷ سال به این طرف به طور اوسط روزانه نزدیک به ۵۰۰ افغان در جنگی کشته و زخمی می شوند که هیچ ارتباطی به آنها ندارند. اگر بخواهیم یکی از تفاوت های گلائیاتور های دوره بردگی را با گلائیاتور های جنگ وحشیانه و جاری افغانستان اشغالی بیان کنیم، آن این خواهد بود که در آن زمان جنگ گلائیاتور ها بیشتر برای لذت بردن برده دار ها صورت می گرفت، اما جنگ گلائیاتورها در افغانستان بیشتر روی تضاد منافع کشور های امپریالیستی و کشور های طماع منطقه می باشد.

پس از گذشت سه روز از «آتش بس» مسخره، رهبران برده های جنگی با صدور اعلامیه ای نه تنها اعلان کردند که «آتش بس» سه روز عید را به درخواست دولت پوشالی رعایت نکردند، بلکه با ختم آن به صفوف طالبان هدایت دادند

تا دوباره به عملیات های جنگی شان علیه نظامیان دولت و اشغالگران غربی ادامه دهند. اعلان «آتش بس» سه روزه و به تعقیب آن اعلامیه آغاز دوباره عملیات ها، دو موضوع را کاملاً به اثبات می رساند، اول این که بیشتر از این برده های جنگی (صفوف طالبان) که یکی از قربانیان اصلی جنگ وحشیانه جاری می باشند و روزانه ده ها تن از آن ها کشته و زخمی می شوند، از جنگ ارتجاعی جاری خسته شده اند، ثانیاً خوش باوری عده ای از ساده لوحان را در داخل و بیرون از دولت نقش بر آب کرد که می گفتند طالبان نیروی مستقل اند و هیچ ربطی با سیاست های منطقه و امپریالیست ها ندارند!!!

سفری به سراب، ۳۸ روز با پای پیاده از هلمند به کابل برای رسیدن به «صلح»:

دیالکتیک، پدیده های «جنگ» و «صلح» را مطلق و ابدی نمی داند و هر جنگی باید روزی به صلح بینجامد، اما این زمانی میسر می گردد که شرایط مساعد و مناسب برای تغییر به وجود آمده باشد در غیر آن «صلح» کاذب و غیر واقعی خواهد بود.

جنگ ارتجاعی امروز در سر زمین اشغالی ما که بر سر تضاد منافع کشور های امپریالیستی و منطقه هر روز تشدید می گردد، آماده بستری مناسب برای «صلح» نگردیده است. امپریالیزم امریکا در حال تحکیم پایگاه های نظامی خود در این منطقه از جهان است که این موضوع عمیقاً منافع امپریالیزم روسیه، رژیم سفاک ایران و امپریالیزم چین را به خاطر مواجه ساخته است، پاکستان نه تنها به منافع خود در افغانستان اشغالی نرسیده، بلکه شدیداً نگران گسترش روز افزون سیاست های هند در افغانستان است. جنگ ارتجاعی جاری تا حال نتوانسته منافع رژیم ولایت فقیه را تأمین نماید. متأسفانه این جنگ غیر عادلانه شانه های توده های ستمدیده ما را خم ساخته و تلاش دارند تا با استفاده از هر راه ممکن این جنگ را به صلح مبدل نمایند، اما متأسفانه چون راه اشتباه در پیش می گیرند، هیچ اثری روی کاهش خشونت های ناشی از این جنگ نمی گذارند.

در اقدام اخیر یکتعداد از جوانان ساده دل و خوش باور ما که گویا با راه اندازی اعتراضات مدنی، می توانند جنگ را به صلح مبدل نمایند، ۳۸ روز قبل ولایت هلمند را به قصد کابل ترک کردند و امروز دوشنبه ۲۸ جوزای ۱۳۹۷ با پاهای پرآبله و چهره های خسته به کابل رسیدند و «پیام صلح» را با خود آوردند، اما غافل از این که راه اندازی اعتراضات مدنی، گریه و زاری هیچ دردی را دوا نمی کند و از این راه نمی توان به صلح رسید، بلکه یگانه راه رهائی توده های دربند ما از زنجیر های استعمار و استبداد کنونی، همانا ایجاد جبهه واحد توده ئی تحت رهبری نیرو های مترقی، انقلابی، آزادیخواه و استقلال طلب می باشد که با تشکل پذیری هرچه بیشتر بستر مناسبی را برای تغییر پدیده شوم جنگ به صلح مهیا سازند.